

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

صص: ۱۲۴-۱۴۸

## نظام مطابقه در گویش شورابی

شهرام گرامی\*

چکیده

این مقاله به نقش شناسه‌های فعلی، واژه‌بست‌های مطابقه شخصی، ضمائر شخصی جدا و روابط نحوی آن‌ها در نظام مطابقه شورابی، از گونه‌های زبان کوهمره‌ای، می‌پردازد. برپایه دو عامل زمان دستوری فعل و لازم یا متعدی بودن فعل، نظام مطابقه در این گویش به صورت دوگانه، یعنی فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی-مفعولی است. مطابقه فاعلی-مفعولی در فعل‌های لازم فارغ از هر زمانی و فعل‌های متعدی زمان حال صورت می‌گیرد و فاعل از طریق شناسه‌های فعلی با فعل مطابقه مستقیم دارد. در مطابقه غیرفاعلی-مفعولی که در فعل‌های متعدی مشتق از زمان‌های گذشته رخ می‌دهد، فاعل با فعل مطابقه مستقیم ندارد، ولی از طریق واژه‌بست‌های ضمیری با فعل مطابقه غیرمستقیم دارد. یکی از ویژگی‌های گویش شورابی، وجود دو دسته از واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی است که در برخی موارد به لحاظ صرفی، نحوی و نقشی از یکدیگر متفاوت هستند. واژه‌بست‌های نوع اول از نوع بی‌نشان محسوب می‌شوند، اما نوع دوم نشان‌دار هستند. شورابی در مطابقه فاعلی-مفعولی مشابه فارسی معاصر است، اما در مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، با فارسی معاصر تفاوت دارد. مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، شامل رده‌های سه‌بخشی، کُنایی (کُنایی-مطلق) و غیرفاعلی-غیرفاعلی می‌شود.

shahramgr21@gmail.com

\*دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۵/۱۱

واژه‌های کلیدی:

نظام مطابقه، واژه‌بست‌های شخصی، شناسه‌های فعلی.

#### ۱. مقدمه

منطقه شوراب در جنوب شیراز واقع است و شامل تعدادی روستا از جمله احمدآباد، عباس‌آباد، مهدی‌آباد، شکرآباد، ده نو و دهدار و بگدانه می‌باشد. سلامی (۱۳۸۶: ۳۵) عنوان می‌کند که اگرچه مردم این منطقه از نظر قومیت جزو ایل سرخی و منطقه کوهمره سرخی هستند، اما به دلیل وجود کوه‌هایی چون کوه سلومتی، کوه مُهارة و همچنین کوه مرتفع دلو، که عامل جدایی آن‌ها از سرخی‌های آن‌سوی کوه‌ها است، از نظر تقسیمات کشوری جزو دهستان سیاخ‌دارنگان به مرکزیت کدنج شده‌اند. این مردم حدود ۳۰۰ سال پیش به این نقاط کوچ کرده و اسکان یافته‌اند. آن‌ها پیش از این در نقاطی به نام‌های بُزیر (غرب بخش گِره و بالاده کازرون)، رَوَنی و لاوَر (در منطقه دشتی بوشهر) بوده‌اند (سلامی، ۱۳۸۶: ۳۵).

این مقاله بر آن است تا برپایه الگوهای پنج‌گانه معرفی شده در مقاله کامری<sup>۱</sup> (۱۹۷۸)، نظام مطابقه شخصی در گویش شورابی مطابق با نقش و کارکرد واژه‌بست‌های شخصی، شناسه‌های فعلی و ضمائر شخصی جدا برای بازنمایی فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P) را بررسی نماید. بررسی و تحلیل داده‌های زبانی مبتنی بر پرسشنامه‌ای است که حاوی ۵۰۰ جمله بوده و مطابق با الگوهای به‌کار رفته در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی نوشته دبیرمقدم (۱۳۹۲) در چارچوب رده‌شناسی

<sup>۱</sup>Comrie

زبان است. داده‌های زبانی به‌روش مصاحبه حضوری با گویشوران بومی<sup>۱</sup> منطقه شوراب آوانگاری و ثبت شده است. یافته‌های به‌دست‌آمده از توصیف و تحلیل محتوای پرسشنامه در زمینه الگوهای نظام مطابقه، در بخش‌های بعدی مقاله ارائه می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، پژوهشی نظام‌مند از منظر رده‌شناسی زبان در زمینه حالت‌نمایی و نظام مطابقه شخصی در گویش شورابی انجام نشده است. مقاله کریمی (۱۳۹۱) می‌تواند چارچوب مناسبی را برای طرح کلی نظام‌های مطابقه در گویش‌های کُنایی ایرانی نو فراهم سازد. این مقاله، که برپایه برنامه کمینه‌گرا نگارش شده است، به تبیین نظری دو الگوی رایج در ساخت کُنایی زبان‌های ایرانی می‌پردازد. در الگوی اول، فاعل در بندهای متعدی زمان گذشته حالت نمای کُنایی / غیرفاعلی و مفعول حالت نمای فاعلی می‌پذیرد. فعل در این الگوی به‌صورت کامل در مشخصه‌های شخص، شمار و جنس با مفعول مطابقه می‌کند. این الگو در کردی شمالی یا گرمانجی، بلوچی، تاتی کرینی، تاتی لردی و تا حدودی تاتی کجلی رایج است. در الگوی دوم، فاعل فعل متعدی حالت کُنایی ندارد، بلکه به‌وسیله یک واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود. فعل با مفعول مطابقه ندارد و شکل پیش‌فرض، یعنی وند / شناسه سوم شخص مفرد می‌پذیرد. این الگو در برخی دیگر از زبان‌های ایرانی همچون دشتی، لارستانی،

<sup>۱</sup> از آقایان عادل لقابی‌مند، محمد محمدی، محسن صفری جیحونی متولد و بزرگ‌شده روستای عباس‌آباد منطقه شوراب و مهدی جباره ناصر و متولد و ساکن روستای بگدانه که همگی از دانشجویان مهندسی دانشکده فنی شهید باهنر شیراز بوده و با صبر و حوصله به‌صورت حضوری، به پرسشنامه‌های نگارنده پاسخ دادند، بسیار سپاسگزارم.

کردی مرکزی یا سورانی، تاتی دروی، تاتی کهلی و تاتی گیلوانی حاکم است. برمبنای الگوی دوم، می‌توان گفت که گویش شورابی تقریباً با چنین انگاره‌ای همایی دارد.<sup>۱</sup>

جامع‌ترین اثر در زمینه رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، کتاب‌رده‌شناسی زبان‌های ایرانی در مجموعه‌ای دو جلدی تألیف دبیرمقدم (۱۳۹۲) است که براساس دو پارامتر رده‌شناختی ترتیب واژه و کُنایی‌بودگی<sup>۲</sup>، علاوه بر بررسی زبان فارسی و سیر تاریخی آن، برخی زبان‌های ایرانی نو از جمله زبان‌های بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی / طالشی، وفسی، زبان‌های کردی، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، شهمیرزادی و تاتی را نیز توصیف و تحلیل کرده است. نویسنده کتاب پس از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی گردآوری شده از زبان‌های نامبرده ایرانی نتیجه می‌گیرد که در میان زبان‌های ایرانی، زبان فارسی و شهمیرزادی به لحاظ نظام مطابقه یکسره «فاعلی-مفعولی» هستند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۲۲). همچنین در میان گونه‌های مختلف بلوچی در ایران، بلوچی زابلی (یا همان سیستانی) و گونه‌های مختلف کردی جنوبی (شامل کردی کلهری و کردی کرمانشاهی) نیز نظام مطابقه یکسره «فاعلی-مفعولی» دارند. دیگر زبان‌های ایرانی نو بررسی شده، شامل بلوچی (ایران‌شهری)، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، کردی (سندجی و بانه‌ای)، اورامی، لکی، دلواری، نائینی و تاتی زبان‌هایی هستند که نظام مطابقه در آن‌ها «دوگانه» است.

گنجینه گویش‌شناسی فارس، تألیف عبدالنبی سلامی، اثر دیگری در گویش‌شناسی فارس است. دفتر چهارم این گنجینه، به گویش‌های کوهمره‌ای و لارستانی اختصاص

<sup>۱</sup> گفتنی است که در گویش شورابی، در انگاره غیرفاعلی-مفعولی، رده کُنایی-مطلق، در صورت عدم حضور مفعول به صورت اسم یا ضمیر جدا، شناسه‌های مفعولی در پایان فعل به مفعول صریح، غیرصریح و ازی اشاره دارند.

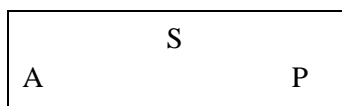
<sup>۲</sup> ergativity

دارد. سلامی (۱۳۸۶) در پیش‌گفتار دفتر چهارم می‌گوید که گویش شورابی پیوندی بین گویش‌های گروه کوهمره‌ای و گروه لارستانی است. او بر این باور است که اگرچه این دو گروه زبانی، تفاوت‌های دستوری، واژگانی و گاه آوایی دارند، تا حدی که گویشوران یک گویش، گویش دیگری را نمی‌فهمد یا کم‌تر می‌فهمد، اما از اهمیت خاصی برخوردارند. این امر با توجه به ساخت کهن دستوری هر دو گروه به‌خصوص در ساختمان فعل‌ها و به‌ویژه فعل‌های گذشته متعدی که دارای ساخت کُنایی هستند توجیه می‌شود؛ افزون بر این، از نظر زبان‌شناسی نیز هر دو گروه، جزو شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی محسوب می‌شوند و در اصل بازماندگانی از لهجه‌های زبان فارسی میانه یا پهلوی هستند. در این دفتر، پس از ارائه جدول آوانگار، نویسنده به معرفی نکات دستوری در گویش شورابی و گویش‌های لارستانی می‌پردازد. نکات دستوری شناسه‌های فعل‌های لازم و متعدی در زمان‌های دستوری مختلف حال و گذشته، صرف فعل‌های کمکی، پیشوندهای فعلی، فعل مجهول، مطابقه فعل با فاعل، نشانه مصدر، اسم معرفه و نکره، مضاف و مضاف‌الیه و صفت و موصوف را شامل می‌شود. در بخش دیگر این دفتر، واژه‌های موضوعی در حوزه‌های مختلف مطرح شده و در پایان، جمله‌های فارسی و معادل آن‌ها در این گویش‌ها بیان می‌شود. با وجود این، منطقه کوهمره سرخی و شوراب گونه‌های زبانی مختلفی دارد که علی‌رغم شباهت‌های فراوان زبانی به یکدیگر، تفاوت‌هایی نیز دارند.

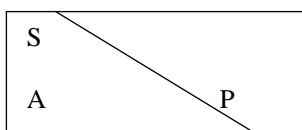
## ۳. الگوهای پنج گانه مطابقه

کامری (۱۹۷۸) پنج نظام منطقاً محتمل برای اختصاص حالت به S (فاعل فعل لازم)، A (فاعل فعل متعدی) و P (مفعول فعل متعدی) ارائه می‌دهد که در ادامه به‌طور خلاصه بیان می‌شوند.

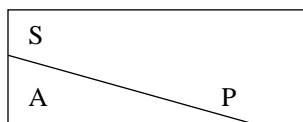
الف. خنثی: در این رده، برای هر سه جایگاه نحوی، حالت‌نمای یکسانی به‌کار برده می‌شود. این حالت‌نما ممکن است صفر باشد.



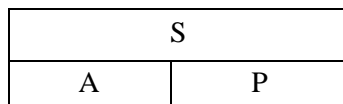
ب) فاعلی - مفعولی: در این رده، S و A حالت‌نمای یکسان (حالت فاعلی) دارند و حالت‌نمای دیگری برای P (حالت مفعولی) به‌کار می‌رود.



ج) کُنایی - مطلق: در این رده S و P حالت‌نمای یکسان (حالت مطلق) دارند و حالت‌نمای دیگری برای A (حالت کُنایی) به‌کار می‌رود.



د) سه بخشی: در این رده، سه حالت‌نمای متفاوت پیش‌بینی می‌شود که در میان زبان‌های جهان نسبتاً نادر است (کامری، ۱۹۷۸).



(ه).....: کامری که نامی برای این رده اختیار نکرده است، معتقد است که چنین نظامی در زبان‌های دنیا یافت نمی‌شود. با وجود این، به لحاظ نظری در این رده، P و A حالت‌نمای یکسانی دارند و S حالت‌نمای متفاوتی دارد.

S	
A	P

کامری جلوه دیگری از حالت‌نمایی در زبان‌ها را توضیح می‌دهد که همانا از طریق مطابقه فعل<sup>۱</sup> است. او هر دو شیوه حالت‌نمایی را صرفی دانسته است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۶۳).

#### ۴. سازه‌های اصلی در الگوهای نظام مطابقه شورابی

در این بخش، پیش از هر چیز، سازه‌های مشارک در نظام مطابقه شورابی ارائه می‌شود.

#### ۴-۱. ضمایر فاعلی جدا (فاعلی / مفعولی)

جدول (۱) ضمایر فاعلی جدا

جمع			مفرد			شخص
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
heyšu / unāle	šomā(yal)	mā	hey/une	to	me	

ضمایر جدول (۱) در حالت‌های فاعلی و مفعولی شکل یکسانی دارند. به عبارت دیگر، حالت‌نمای واحدی (یعنی حالت ختشی یا صفر) برای هر سه جایگاه نحوی فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P) وجود دارد. گفتنی است که

<sup>۱</sup> Verb-agreement

در گویش شورابی، نشانه خاصی برای اسم و ضمیر جدا در حالت مفعولی وجود ندارد. بنابراین، فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P) خواه به صورت اسم و خواه به صورت ضمیر جدا در تمام زمان‌های دستوری حالت خنثی و بدون نشانه خواهند داشت. بنابراین، مطابق با پنج نظام منطقا محتمل کامری، شورابی از این حیث، وضعیت «الف یا خنثی» را دارد. در الگوی فاعلی-مفعولی، یعنی در فعل‌های لازم، فارغ از هر زمانی و فعل‌های متعدی زمان حال، شناسه‌های فعلی به فاعل اشاره دارند (نمونه‌های ۱ و ۳). اما فعل در الگوی غیرفاعلی-مفعولی در فعل‌های متعدی زمان گذشته، شناسه فاعلی ندارد و فاعل تنها از طریق واژه‌بست‌های فاعلی شناسایی می‌شود (نمونه ۲).

۱. آن‌ها می‌آیند. heyšu / unāle m-ay-en

ش ۳ ج-آی- اخباری آن‌ها

۲. من او را دیدم.

me hey om=di

دید=ش م او من

۳. تو من را می‌بینی.

to me mi-ben-e

ش ۲ م-بین- اخباری من تو

#### ۴-۲. شناسه‌های فاعلی / مفعولی

در انگاره فاعلی-مفعولی شناسه‌های فعلی به فاعل فعل‌های لازم و متعدی دلالت دارند (نمونه‌های ۱ و ۳). در الگوی غیرفاعلی-مفعولی، شناسه‌های فعلی، فقط در رده کُنایی-مطلق به کار می‌روند و به مفعول صریح، غیرصریح و ازی اشاره دارند (نمونه‌های ۴ تا ۶).



## جدول (۲) شناسه‌های فاعلی / مفعولی

جمع			مفرد			
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
-en	-i	-um	-e/-ø/-u/- i /-ak	a/-i/-e(y)	-am/om	شخص

۴. او تو را دید.

eš=ded-e

۲ش م-دید=او

۵. به‌تان گفتم.

ma=got-i

۲ش ج-گفت=اش م

۶. از شماها کتاب گرفتند.

ketāb šā=geret-i

۲ش ج-گرفت=۳ش ج کتاب

## ۳-۴. واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی دسته اول و دسته دوم

در این گویش دو دسته واژه‌بست مشاهده می‌شود. واژه‌بست‌های دسته اول بی‌نشان و واژه‌بست‌های دسته دوم نشان‌دار هستند. در نمونه ۷، فعل «زدن» در صیغه‌های مفرد زمان گذشته، با دو گونه از واژه‌بست‌های دسته اول ظاهر شده است.

## جدول (۳) واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی دسته اول و دسته دوم

جمع			مفرد			
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
šu=	tu=	mu=	eš/=še	et(d)/te=	om/me=	شورایی دسته اول
šā=	tā=	mā=	ša=	ta =	ma=	شورایی دسته دوم

۷. صرف فعل زدن در زمان گذشته:

زد  $eš\ ze/\ še=ze$       زدی  $et=ze/te=ze$       زدم  $om=ze/me=ze$   
 زدند  $zešu=$       زدید  $tu=ze$       زدیم  $mu=ze$

«واژه‌بست‌های دسته دوم» در موارد زیر به کار می‌روند.

- در نقش مفعول صریح و غیرصریح در انگاره فاعلی-مفعولی

۸. به‌شان می‌گویی.

$šā=mi-gey-e$

ش<sup>۲</sup> م-گو- اخباری=ش<sup>۳</sup> ج

۹. آن‌ها را نصیحت می‌کنم.

$šā= nesiyat mi-kon-om$

اش م-کن- اخباری نصیحت=ش<sup>۳</sup> ج

در انگاره غیرفاعلی-مفعولی، رده کُنایی-مطلق، در نقش فاعلی هستند و با شناسه‌های

مفعولی که معمولاً به مفعول غیرصریح و ازی اشاره دارند، به کار می‌روند.<sup>۱</sup>

۱۰. تو ما را گمراه کردی.

$ta=gomrā kerd-um$

اش ج-کرد گمراه=ش<sup>۲</sup> م

۱۱. از شماها کتاب را گرفتیم.

$ketāb-u mā=geret-i$

ش<sup>۲</sup> ج-گرفت=اش ج معرفه-کتاب

۱۲. شماها به من گفتید.

$tā=got-am$

ش<sup>۲</sup> م-گفت=ش<sup>۲</sup> ج

<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که در رده کُنایی-مطلق، هرچند که واژه‌بست‌های دسته دوم با شناسه‌های مفعولی صریح نیز ظاهر شده‌اند، اما گرایش غالب آن است که با شناسه‌های مفعولی غیرصریح یا ازی همراه شوند.

۱۳. من داستان را به تو گفتم.

dāstān-u ma=got-e

اش<sup>۲</sup> م-گفت=اش<sup>۱</sup> م معرفه-داستان

- در نقش فاعلی در انگاره غیرفاعلی - مفعولی، رده سه بخشی

۱۴. (من) در را با کلید باز کردم.

(me) der-u bā kelil ma=vā-ki

کرد- باز=اش<sup>۱</sup> م کلید با معرفه در (من)

۱۵. تو آنها را گمراه کردی.

heyšu ta=gomrā ki

کرد گمراه=اش<sup>۲</sup> م آنها

- در نقش مفعول پس‌اضافه‌ای

۱۶. پیش من بنشین.

ma=peš hu-ne

نشین-التزامی پیش=اش<sup>۰</sup> م

۱۷. همراهش (با او) برو.

ša=pā bo-de

رو-التزامی پا (با)=اش<sup>۳</sup> م

۱۸. بیا پیش من.

biyow ma=peš

پیش=اش<sup>۱</sup> م بیا

۱۹. با من بیا.

ma=pā bi-yow

آی-التزامی با=اش<sup>۱</sup> م

۲۰. برایت غذا می‌آورم.

ta=si qazā m-ār-om

اش<sup>۱</sup> م-آور-اخباری غذا برای=اش<sup>۲</sup> م

- تاکید گوینده مبنی بر این که شخصا کسی یا کسانی را در رویداد خاصی دیده است

(واژه‌بست در نقش گواه‌نمایی).

گوینده در نمونه‌های ۲۱ تا ۲۵ بر وقوع فعلی که شاهد آن بوده، تاکید دارد. در این خصوص، نگارنده واژه (خودم) را به اختیار به جمله‌های مذکور اضافه کرده است.

۲۱. من (خودم) آن‌ها را در بازی دیدم

me bāzi ma=ded-en.

۳ش.ج-دید=اش.م.بازی من

۲۲. من (خودم) شما را هنگام دزدی دیده‌ام.

me dozi ma=ded-e-s-i

۲ش.ج-است-اسم مفعول-دید=اش.م.دزدی من

۲۳. من (خودم) او را در بازی فوتبال دیدم.

me futbāl ma=di-Ø

۳ش.م-دید=اش.م.فوتبال من

۲۴. از آن‌ها (خودم) تقلب گرفتم.

tagalob ma=geret-en

۳ش.ج-گرفت=اش.م.تقلب

۲۵. شماها ما را دیدید.

tā=ded-um

۱ش.ج-دید=۲ش.ج

- بیان‌کننده حدس و گمان گوینده

۲۶. از شما می‌بینم که موفق می‌شود.

ša=mi-ben-om ke movafaq vā-mi-bu

شود-اخباری-پیشوند فعلی موفق که اش م-بین-اخباری=۳ش م

«واژه‌بست‌های دسته اول» بی‌نشان هستند و در موارد زیر به کار می‌روند.

- به صورت پیش‌بست به تمام فعل‌های کمکی، جدول (۴)، فارغ از هر زمانی اضافه

می‌شوند.

۲۷. تو کتاب داری.

to ketāb et=en  
دار=ش<sup>۲</sup>.م کتاب تو

۲۸. من کتاب داشتم.

me ketāb om=bi  
بود=اش.م کتاب من

۲۹. داشته‌ام.

om=bed-e-n  
است-نشانه اسم مفعول-داشت=اش م

۳۰. داری می‌خوری

ot=ten mi-xor-e.  
ش<sup>۲</sup>.م-خور-اخباری دار=ش<sup>۲</sup>.م

۳۱. می‌توانم بروم.

om=mi-šā hoš-om  
اش.م-برو توان-اخباری=اش.م

۳۲. می‌توانستم بروم.

om=mi-šays hoš-om  
اش.م-برو توانست-اخباری=اش.م

۳۳. می‌خواهم بروم.

om=mā hoš-om  
اش.م-برو خواه=اش.م

۳۴. می‌خواستم بروم.

om=m-šays ho-š-om  
اش.م-رو-التزامی خواست-اخباری=اش.م

- در نقش مفعول صریح در انگاره فاعلی - مفعولی

۳۵. من او را می‌بینم.

me eš=mi-ben-om  
اش.م-بین-اخباری=اش.م من

۳۶. نصیحت مان می کنند.

nesiyat=emu mi-kon-en

۳ش.ج-کن-اخباری ۱ش.ج=نصیحت

- در نقش مفعول پیش اضافه ای

۳۷. پیش من بنشین.

piš-e me hu-ne/ piš=om hu-ne

نشین-التزامی ۱ش.م=پیش / نشین-التزامی من اضافه-پیش

۳۸. برای تان می خرمش

si=tu eš=mi-xar-om

۱ش.م-خر-اخباری=۳ش.م ۲ش.ج=برای

- در نقش فاعل در انگاره غیر فاعلی-مفعولی، رده سه بخشی

۳۹. کتاب اش را دیدم.

me ketāb=eš om=di

دید=۱ش.م ۳ش.م=کتاب من

گفتنی است که نقش صفت ملکی فقط با واژه بست های دسته اول بیان می شود.

- در نقش فاعل در انگاره غیر فاعلی-مفعولی، رده گُنایی-مطلق

me om=ded-i

۴۰. من دیدم تان.

۲ش.ج-دید=۱ش.م من

- در نقش های فاعلی و مفعولی، در انگاره غیر فاعلی-مفعولی، رده غیر فاعلی-غیر فاعلی

۴۱. من به شما کمک کردم.

komak=et om=ki

کرد=۱ش.م ۲ش.م=کمک

از مقایسه واژه بست های دسته اول و دسته دوم در گویش شورابی می توان نتیجه گرفت

که:

واژه‌بست‌های دسته اول به صورت پیش‌بست به تمام فعل‌های کمکی اضافه می‌شوند. در انگاره غیرفاعلی-مفعولی، رده غیرفاعلی- غیرفاعلی (یعنی غیرفاعلی مضاعف)، در دو نقش فاعلی و مفعولی نیز به کار می‌روند. فقط با پیش‌اضافه ظاهر می‌شوند. در نقش صفت ملکی به کار می‌روند. برای گواه‌نمایی و حدس و گمان گوینده از وقایع به کار نمی‌روند. معمولاً جایگاه ثابتی در جمله دارند؛ یعنی، به صورت پیش‌بست، قبل از ستاک فعل ظاهر می‌شوند. در انگاره فاعلی-مفعولی گرایش به ایفای نقش مفعول صریح را دارند. در انگاره غیرفاعلی- مفعولی، در رده‌های سه‌بخشی و کُنایی-مطلق، نقش فاعل یا عامل را ایفا می‌کنند. همچنین، در رده کُنایی-مطلق تمایل دارند که با شناسه‌های مفعولی صریح، ظاهر شوند.

واژه‌بست‌های دسته دوم کاربرد کم‌تری دارند؛ به عبارتی، نشان‌دار محسوب می‌شوند. با فعل‌های کمکی و در نقش صفت ملکی ظاهر نمی‌شوند. همچنین، در انگاره غیرفاعلی-مفعولی رده غیرفاعلی- غیرفاعلی (یعنی غیرفاعلی مضاعف) ظاهر نمی‌شوند. در ترکیب با حرف اضافه، فقط با پس‌اضافه ظاهر می‌شوند. واژه‌بست‌های دسته دوم برای گواه‌نمایی، حدس و گمان گوینده از وقایع نیز به کار می‌روند. این واژه‌بست‌ها در مقایسه با واژه‌بست‌های دسته اول ضرورتاً قبل از ستاک فعل ظاهر نمی‌شوند. تمایل دارند در انگاره فاعلی-مفعولی نقش مفعول غیرصریح یا ازی را ایفا کنند. در انگاره غیرفاعلی-مفعولی در رده‌های سه‌بخشی و کُنایی-مطلق، نقش فاعل یا عامل را برعهده دارند. در رده کُنایی-مطلق اغلب با شناسه‌های مفعولی غیرصریح و ازی ظاهر می‌شوند.

### ۵. فعل های کمکی

فعل های کمکی در جدول (۴) فارغ از هر زمان دستوری، فقط با واژه بست های فاعلی دسته اول به کار می روند. گفتنی است فعل «داشتن» در زمان حال شبیه فعل «بودن» در زمان حال است. فعل «داشتن» با واژه بست های فاعلی، مطابق با الگوی مطابقه غیر فاعلی-مفعولی صرف می شود، در صورتی که فعل «بودن» با شناسه های فاعلی الگوی فاعلی-مفعولی صرف می شود. فعل «داشتن» در زمان حال هم به عنوان فعل اصلی و هم در نقش نمود مستمر به کار می رود. شکل گذشته آن نقش فعل اصلی را ایفا کرده و نمود مستمر ندارد.

جدول (۴) صیغگان فعل های کمکی در گویش شورابی با واژه بست های فاعلی دسته اول

فعل	داشتن - حال	داشتن - گذشته	خواستن - حال	خواستن - گذشته	توانستن - حال	توانستن - گذشته
م.۱	om=en	om=bi	om=mā	om=meys	om= mi-šā	om=mi-šays
م.۲	et=en	ed=bi	ed=mā	ed=mey	ed= mi- šā	ed=mi- šays
م.۳	eš=en	eš=bi	eš=mā	eš=meys	eš = mi- šā	eš =mi- šays
ج.۱	mu=en	mu=bi	mu=mā	mu=meys	mu= mi-šā	mu=mi-šays
ج.۲	tu=en	tu=bi	tu=mā	tu=meys	tu= mi- šā	tu=mi- šays
ج.۳	šu=en	Šu=bi	šu=mā	šu=meys	šu= mi- šā	šu =mi-šays

### ۶. نظام مطابقه در گویش شورابی

نظام مطابقه در گویش شورابی دوگانه است. این نظام به صورت مطابقه فاعلی-مفعولی و مطابقه غیر فاعلی-مفعولی است. در این بخش صورت های گوناگون مطابقه در گویش شورابی با ذکر نمونه ارائه می شود.



## ۶-۱. مطابقه فاعلی-مفعولی

## الگوی (۱) مطابق فاعلی-مفعولی

فاعل فعل لازم (S) فعل (زمان حال/گذشته) + شناسه فاعلی

فاعل فعل متعدی (A) مفعول (p) فعل (زمان حال) + شناسه فاعلی

(بدون مطابقه فعلی / مطابقه واژه‌بستی)

مطابقه فاعلی-مفعولی در فعل‌های لازم فارغ از هر زمانی و فعل‌های متعدی زمان حال در الگوی (۱) مشاهده می‌شود. در این الگو فاعل فعل لازم (S) و فاعل فعل متعدی (A) با مطابقه مستقیم از طریق شناسه فعلی بازنمایی می‌شوند. مفعول فعل متعدی (p) می‌تواند به صورت اسم یا ضمیر شخصی بدون مطابقه فعلی و یا از طریق واژه‌بست شخصی (یعنی مطابقه غیرمستقیم) ظاهر شود. در نمونه‌های ۴۲ و ۴۳، واژه‌بست‌های دسته اول در نقش مفعول صریح ظاهر شده‌اند و در نمونه‌های ۴۴ تا ۴۹، واژه‌بست‌های دسته دوم به کار رفته‌اند که عمدتاً نقش مفعول غیرصریح یا ازی را ایفا می‌کنند.

۴۲. من او را می‌بینم.

me eš=mi-ben-om

اش.م-بین-اخباری=اش.م.من

۴۳. نصیحت‌مان می‌کنند.

nesiyat=emu mi-kon-en

اش.ج-کن-اخباری اش.ج=نصیحت

۴۴. من آن‌ها را نصیحت می‌کنم.

me šā=nesiyat mi-kon-om

اش.م-کن-اخباری نصیحت=اش.ج.من

۴۵. به تو می‌گویم.

ta=mi-ge-y-om

اش.م-میانجی-گو-اخباری=اش.م.

۴۶. شماها به آن‌ها کلک می‌زنید.

šomāyal kalak šā=mi-z-i

ش<sup>۲</sup>.ج-زن-اخباری=ش<sup>۳</sup>.ج کلک شماها

۴۷. از آن‌ها بگیر.

šā=o-so

گیر-التزامی=ش<sup>۳</sup>.ج

۴۸. از شماها می‌پرسم.

tā=mi-pors-om

ش<sup>۱</sup>.م-پرس-اخباری=ش<sup>۲</sup>.ج

۴۹. بهش برس.

ša=be-ras

رس-التزامی=ش<sup>۳</sup>.م

## ۲-۶. مطابقه غیر فاعلی-مفعولی

این الگو در بندهای ساخته‌شده با فعل متعدی در زمان گذشته و زمان‌های مشتق از آن بازنمایی می‌شود. باوجود این، بود و نبود مفعول اسمی و یا مفعول ضمیری فعل متعدی صورت‌های زیر را به دست می‌دهد.

- مطابقه سه‌بخشی

### الگوی (۲) مطابقه سه‌بخشی

فاعل فعل لازم (S) فعل (زمان حال/گذشته) + شناسه فاعلی

فاعل فعل متعدی (A) مفعول (p) فعل (ستاک گذشته)

(مطابقه واژه‌بستی) (اسم/ضمیر جدا)

در این رده مفعول فعل متعدی (p) به صورت اسم یا ضمیر جدا بازنمایی می‌شود و فاعل فعل متعدی (A) اگرچه می‌تواند به اختیار به صورت اسم یا ضمیر جدا ظاهر شود، اما الزاما با واژه‌بست فاعلی بازنمایی می‌شود. فاعل فعل لازم (S) نیز با شناسه‌های فاعلی تجلی می‌یابد. بنابراین سه صورت متفاوت برای بازنمایی S و P، A و S

وجود دارد. در نمونه‌های ۵۰ تا ۶۱ واژه‌بست دسته اول و در نمونه‌های ۶۲ تا ۶۷ واژه‌بست‌های دسته دوم نقش فاعل متعدی را ایفا می‌کنند.

۵۰. غذا خوردم.

qazā om=x<sup>w</sup>a  
خورد=اش.م.غذا

۶۰. آن‌ها علی را گمراه کردند.

heyšu ali gomrā šu=ki  
کرد=ش.ج.گمراه علی آن‌ها

۶۱. ما آن کتاب‌ها را خریدیم.

mā ketāb-eyl-e mu=xari  
خرید=اش.ج.معرفه-نشانه جمع-کتاب ما

۶۲. کار را ترک کردی.

kār ta=vel ki  
کرد ترک=ش.م.کار

۶۳. تو آن‌ها را گمراه کردی.

to heyšu ta=gomrā ki  
کرد گمراه=ش.م.آنها تو

۶۴. آن‌ها به من کمک کرده‌اند.

heyšu šā=me komak kerd-e-n  
است-اسم مفعول-کرد کمک به من=ش.ج.آنها

۶۵. آن‌ها به من کمک کرده‌اند.

heyšu komak šā=me kerd-e-n  
است-اسم مفعول-کرد به من=ش.ج.کمک آنها

۶۶. آن‌ها شماها را تشویق کردند.

heyšu šomāyal šā=tašviq ki  
کرد تشویق=ش.ج.شماها آنها

۶۷. آن‌ها کتاب خریدند.

heyšu ketāb šā=xari

خرید=ش.ج کتاب آنها

در این رده واژه‌بست‌های فاعلی دسته اول که گونه بی‌نشان محسوب می‌شوند، به لحاظ جایگاه دستوری، پیش از ستاک فعل واقع می‌شوند. در صورتی که واژه‌بست‌های فاعلی دسته دوم نه تنها قبل از ستاک گذشته فعل ساده متعدی بلکه پیش از جزء غیرفعلی فعل مرکب و مفعول غیرصریح نیز ظاهر می‌شوند.

- مطابقه کُنایی-مطلق

در صورتی که مفعول صریح یا غیرصریح به صورت اسم یا ضمیر جدا بیان نشود، الگوی کُنایی-مطلق به کار می‌رود.

### الگوی (۳) (مطابقه کُنایی-مطلق)

فاعل فعل لازم (S) (مطابقه مستقیم) فعل (زمان حال/گذشته) + شناسه فاعلی

فاعل فعل متعدی (A) مفعول (p) فعل (ستاک گذشته / اسم مفعول) + شناسه مفعولی

(مطابقه واژه‌بستی) (مطابقه مستقیم)

در الگوی کُنایی-مطلق، مفعول به صورت اسم یا ضمیر جدا ظاهر نمی‌شود و فقط از طریق مطابقه مستقیم، یعنی با شناسه‌های مفعولی در پایان ستاک گذشته یا ستاک اسم مفعول فعل بازنمایی می‌شود. شناسه‌های مفعولی شبیه شناسه‌های فاعلی در انگاره فاعلی-مفعولی هستند. در نمونه‌های ۶۸ تا ۷۱ واژه‌بست‌های فاعلی دسته اول قبل از ستاک فعل و در نمونه‌های ۷۲ تا ۷۸ واژه‌بست‌های دسته دوم به ستاک فعل یا جزء غیرفعلی فعل مرکب به صورت پیش‌بست اضافه شده‌اند.

۶۸. مرا دیده‌اند.

šu=ded-e-s-am

اش.م=است- اسم مفعول-دید=ش.ج

۶۹. شماها را دیدیم.

mu=ded-i

۲ش ج-دید=۱ش ج

۷۰. مرا زدند.

šu=zed-am

۱ش م-زد=۳ش ج

۷۱. او مرا شناخت.

eš=šenāxt-am

۱ش م-شناخت=۳ش م

۷۲. او به من کمک کرد.

hey komak ša=kerd-am

۱ش م-کرد=۳ش م. کمک او

۷۳. تو آن‌ها را گمراه کردی.

to ta=gomrā kerd-en

۳ش ج-کرد گمراه=۲ش م. تو

۷۴. آن‌ها شماها را تشویق کردند.

heyšu šā=tašviq kerd-i

۲ش ج-کرد تشویق=۳ش ج. آن‌ها

۷۵. آن‌ها تو را نصیحت کردند.

heyšu nesiyat šā=kerd-e(y)

۲ش م-کرد=۳ش ج. نصیحت آن‌ها

۷۶. تو ما را نصیحت کردی.

to ta=nesiyat kerd-um

۲ش ج-کرد نصیحت=۲ش م. تو

۷۷. به ما گفتی.

ta=got-um

۱ش ج-گفت=۲ش م.

۷۸. شماها از ما کتاب گرفتید.

omā ketāb tā=geret-um  
š

اش.ج-گرفت=۲.ش.ج کتاب شما

### - الگوی غیر فاعلی- غیر فاعلی

#### الگوی (۴) مطابقه غیر فاعلی- غیر فاعلی

فاعل فعل لازم (S) (مطابقه مستقیم) فعل (زمان حال/ گذشته) + شناسه فاعلی

فاعل فعل متعدی (A) مفعول (p) فعل (ستاک گذشته)

(مطابقه واژه بستگی) (مطابقه واژه بستگی)

در مقایسه با فاعل فعل لازم (S) که با مطابقه مستقیم از طریق شناسه فعلی نمود می‌یابد، در رده فوق، چنان‌که مفعول (صریح یا غیر صریح) به صورت اسم یا ضمیر جدا ظاهر نشوند، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی به صورت مطابقه غیر مستقیم با واژه بست‌های غیر فاعلی دسته اول ظاهر می‌شوند. بر پایه داده زبانی موجود فقط واژه بست‌های دسته اول در این رده ظاهر می‌شوند. واژه بست فاعلی بعد از واژه بست مفعولی، پیش از ستاک فعل ساده و یا هم‌کرد در فعل مرکب ظاهر می‌شود.

۷۹. او آن‌ها را نصیحت کرد.

hey nesiyat=ešu eš=ki

کرد=۳.ش.م. ۳.ش.ج= نصیحت او

۸۰. صدایت زد.

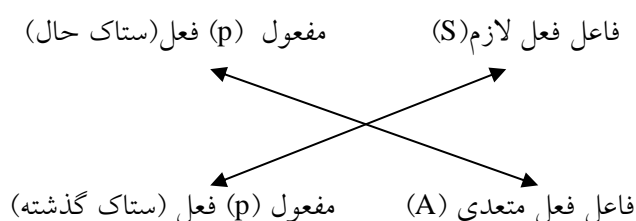
sedā=t om=ze

زد=۱.ش.م. - ۲.ش.م.= صدا

### ۷. انطباق نقش‌های دستوری

الگوی (۵) انطباق نقشی را در میان انگاره‌های فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی-مفعولی نشان می‌دهد. شناسه‌های مطابقه فاعلی برای بازنمایی فاعل فعل متعدی (A) در زمان حال همانند شناسه‌های مطابقه مفعولی در الگوی غیرفاعلی-مفعولی، رده کُنایی-مطلق، برای بازنمایی مفعول صریح یا غیرصریح هستند. از طرفی، واژه‌بست‌هایی (دسته اول و یا دوم) که مفعول را در الگوی فاعلی-مفعولی مورد ارجاع قرار می‌دهند، همانند واژه‌بست‌هایی هستند که فاعل را در الگوی غیرفاعلی-مفعولی بازنمایی می‌کنند. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۴۳۱) عنوان می‌کند که «اگر انطباق بین نقش‌های دستوری را با خط مستقیم برقرار کنیم، شکلی متقاطع (الگوی ۵) همانند علامت ضربدر نمایان می‌شود. از این رو «نقش وارونگی کامل» را «نقش وارونگی متقاطع» نیز نامیده‌ایم.

#### الگوی (۵) الگوی انطباق نقشی



#### ۸. نتیجه‌گیری

در این مقاله الگوهای مطابقه در گویش شورابی معرفی شد. شورابی برای بازنمایی فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (p) از دو انگاره اصلی بهره می‌گیرد. انگاره فاعلی-مفعولی فقط در فعل‌های لازم فارغ از هر زمانی و فعل‌های متعدی زمان حال مشاهده می‌شود و انگاره غیرفاعلی-مفعولی در بندهای ساخته‌شده از فعل متعدی در زمان گذشته و زمان‌های مشتق از آن، با توجه به چگونگی نمود مفعول به سه رده «سه‌بخشی»، «کُنایی-مطلق» و «غیرفاعلی-غیرفاعلی» تقسیم

می‌شود. در رده کُنایی-مطلق، مفعول در نقش‌های صریح، غیرصریح و ازی، فقط از طریق شناسه‌های مفعولی بازنمایی می‌شود. در رده سه‌بخشی، مفعول فعل متعدی (p) به صورت اسم یا ضمیر جدا، فاعل فعل متعدی (A)، الزاما با واژه‌بست فاعلی و فاعل فعل لازم (S) با شناسه‌های فاعلی تجلی می‌یابد. در رده غیرفاعلی-غیرفاعلی، فاعل و مفعول فقط با واژه‌بست‌های غیرفاعلی دسته اول بازنمایی می‌شوند. در سه رده فوق، فاعل فعل متعدی الزاما با واژه‌بست‌های غیرفاعلی ظاهر می‌گردد.

وجود رده‌های «سه‌بخشی» و «غیرفاعلی-غیرفاعلی» در گویش شورابی ناقض این گفته کامری (۱۹۷۸) است که چنین الگوهایی در میان زبان‌های جهان نسبتا نادر و یا یافت نمی‌شوند. نکته شایان توجه دیگر، وجود دو دسته واژه‌بست غیرفاعلی در گویش شورابی است. نگارنده تاکنون، چنین پدیده‌ای را در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو از نوع غربی جنوبی مشاهده نکرده است. این احتمال می‌رود که منطقه شوراب، محل مهاجرت برخی اقوام ایرانی بوده باشد که در نتیجه برخورد زبانی، قرض‌گیری واژگانی و دستوری صورت گرفته باشد. لازم به ذکر است که در ترکیب با حرف اضافه، واژه‌بست‌های دسته دوم، فقط با «پس‌اضافه» به‌کار می‌روند. همچنین، مواردی که در آن‌ها گوینده خود شخصا شاهد وقوع فعل بوده و یا برای بیان حدس و گمان گوینده از وقوع فعلی در زمان آینده از واژه‌بست‌های دسته دوم به‌عنوان مقوله‌ای دستوری استفاده شده، نوعی «گواه‌نمایی» محسوب می‌شود.

امید است با گردآوری پیکره زبانی بیش‌تر پژوهش‌های آتی مرزبندی دقیق و قاطعی را به‌لحاظ نحوی، معنایی و نقشی میان واژه‌بست‌های مذکور ترسیم نماید. به‌هرروی، می‌توان گفت که واژه‌بست‌های دسته اول نسبت به واژه‌بست‌های دسته دوم، جایگاه ثابتی دارند و قبل از ستاک فعل ظاهر می‌شوند. واژه‌بست‌های دسته دوم، برخلاف نوع اول، معمولا در جایگاه‌های دستوری دیگری نیز در جمله ظاهر می‌شوند. به‌لحاظ کاربرد، واژه‌بست‌های نوع اول بی‌نشان و نوع دوم نشان‌دار محسوب می‌شوند. بنابراین،



باید گفت که شورابی در مطابقه فاعلی-مفعولی مشابه فارسی معاصر است، اما در مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، متفاوت از فارسی معاصر است.

### فهرست منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲) *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، ۲ جلد، تهران: سمت.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۶) *گنجینه گویش‌شناسی فارس (دفترچهارم)*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار.
- کریمی، یادگار (۱۳۹۱) «مطابقه در نظام کُنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند الف»، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۴، شماره ۲.
- Comrie, Bernard (1978) "Ergativity", In W. Lehmann (Ed.), *Syntactic Typology: Studies in the Phenomenology of Language*, Austin & London: University of Texas Press, pp. 329-394.